

ضیافت هزار نفری در زمین فوتبال مشهور

نام: زمین خاکی پزو
موقعیت: خیابان مقتدری سابق

در دهه های ۳۰ و ۴۰ که محله ها قلب تپنده فوتبال پایتخت بودند و فوتبال در محله های تهران سکه رایجی داشت، بریانک هم به واسطه زمین فوتبال معروف ابتدای خیابان مقتدری مورد اقبال فوتبالبست ها قرار می گرفت.

زمین فوتبالی که به واسطه همسایگی با نمایندگی تعمیر خودروهای پزو به نام زمین پزو معروف شده بود تا دهه ۷۰ جولانگاه فوتبالبست های با استعدادی بود که برخی از آنها به تیم های بزرگ پایتخت و حتی تیم ملی فوتبال هم راه پیدا کردند. محمدحسن ابراهیمی، از ساکنان قدیمی بریانک، درباره روزگار به یادماندنی زمین پزو می گوید: «وقتی زمین پزو را آسفالت کردند ابعادش هم تغییر کرد و گل کوچک بازاها که همیشه یک توپ پلاستیکی و دو دروازه فلزی در دستشان بود به این زمین هجوم آوردند. خیلی طول نکشید که این زمین به پاتوق گل کوچک بازاها تهران تبدیل شد. در این زمین ۵به ۵ فوتبال بازی می کردند و هر بازی به طور متوسط هزار تماشاگر داشت.»



وقتی فوتبال در زمین پزو رونق دوچندانی گرفت، تیم های معروف یکی پس از دیگری به بریانک آمدند و پیوند عمیقی بین اهالی و فوتبال در این محله شکل گرفت. از بین فوج تیم هایی که هر هفته به زمین پزو می آمدند، تیم سسکاک ها از همه معروف تر بود، اما تیم بریانک طرفداران بیشتری داشت و معمولاً فاتح نبردهای بزرگ می شد. از فوتبالبست های مشهوری که در زمین پزو معرفی شدند می توان از فیروز کریمی، علیرضا منصوریان و اصغر طالب نسب که چند سال پیراهن تیم استقلال را پوشیدند نام برد، اما محمدرضا حیدریان، کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال را باید دانه درشت ترین بازیکنی دانست که از دل زمین فوتبال بریانک معرفی شد و به بالاترین سطح رسید. محمدحسن ابراهیمی معتقد است زمین پزو هم مثل برخی زمین های خاکی فوتبال تهران روزهای تاریک هم داشته است: «زمین فوتبال معروف بریانک در برهه ای به پاتوق به اصطلاح «تیغی زن» ها تبدیل شد. تیغی زن ها دو تیم تشکیل می دادند و تیم بازنده باید مبلغی را که از قبل تعیین شده به تیم برنده می داد. به همین دلیل بعد از هر بازی نزاع های خونینی در می گرفت تا اینکه با ایجاد بزرگراه نواب، زمین پزو هم که به جولانگاه شرط بندیها تبدیل شده بود تخریب شد.»



پیشکش مرغ و کله قند در کلاس درس

مخصوص داشت. خانم آغا چندین ترکه کنار خود می گذاشت، بر خسی بلند برای دوردست، بر خسی کوتاه برای نزدیک. اگر کودکی درس خود را خوب پس نمی داد و یا شیطنت می کرد تنبیه بدنی می شد. در آن زمان مکتبخانه ۲ نوع بود؛ مکتبخانه های خصوصی که در منزل اعیان و اشراف برپا می شد و مکتبخانه های عمومی که برای عوام بود. در مکتبخانه های عمومی در ازای تدریس ملا یا ملاباجی و یاد گرفتن شعر و قرآن، باید پیشکشی تقدیم می کردیم. البته این هدایا و حق الزحمه اغلب شامل مایحتاج زندگی و خورد و خوراک بود. خانم آغا درس می داد و وقتی برای مثال سوره یا عبارتی مانند «لم یکن» را یاد می گرفتیم با لحنی آهنگین می گفت معصومه! یعنی ۲ مرغ کامل! این بدان معنی بود که باید جلسه بعد ۲ تا مرغ سربریده برای خانم آغا ببرم. آن زمان همه در خانه هایمان مرغ و خروس نگهداری می کردیم. پدرم دو تا مرغ سر می برد و برای خانم آغا می برد. یا وقتی به کلمه عبث می رسیدم شعر می خواند «عبث قند و نبات بر سه / اگر نرسه الناز عات غرقت کنه / عمه جونم مرگت کنه» که یعنی باید قند و نبات برای او می بردیم.»



موسپیدان و ریش سفیدان محله بریانک سواد خواندن و نوشتنشان را مدیون و مرهون ملاباجی مکتبخانه هستند. در روزگاری که سواد داشتن سهم چندانی در میان دغدغه های روزانه ساکنان قلعه نداشت، کودکان و نوجوانان این محله پای کلاس اکابر «خانم آغا» یا «ملاباجی» می نشستند و الف دو زبر

آن، دو زبر آن، دو پیش آن؛ آن، آن و ب دو زبر بن دو زبر بن و دو پیش بن؛ بن، بن را با صدای بلند می خواندند. معصومه قلی، از ساکنان قدیمی محله بریانک، از روزهای مکتب رفتنش اینطور تعریف می کند: «۵ سال بیشتر نداشتیم که مرحوم پدرم برای یادگیری درس قرآن من را به مکتبخانه برد. در کلاس درسمان یک قالی ۱۲ متری جامی شد و یک میز کوچک داخل کلاس بود که خانم آغا ترکه به دست همیشه پشت آن می نشست و بچه ها دورش حلقه می زدند. همچنین تنبیه بدنی بچه ها موضوعی بسیار لازم و واجب بود. مکتبخانه فلک و چوب



موضوع: مکتبخانه
موقعیت: قلعه

بریانک؛ میزبان زائران



بارگاه امامزاده معصوم (ع) در محله بریانک یکی از مراکز تاریخی محله است. این بارگاه به خصوص در روزهای پایانی هفته و مناسبت های مذهبی میزبان زائرانی است که از سایر نقاط تهران به بریانک آمده اند. ثبت بقعه امامزاده معصوم (ع) با شماره ۱۹۱۳ در فهرست آثار ملی نشان از قدمت و اهمیت تاریخی این بقعه دارد. رحمت الله خادم الحسینی، از ساکنان قدیمی محله بریانک که از سال ۱۳۱۷ در دروازه قزوین ساکن بوده بارگاه قدیمی امامزاده را بسیار ساده توصیف می کند: «به یاد دارم که پیش از انقلاب، بارگاه امامزاده، اتاقک کوچکی بود. آن روزها که جمعیت چندان زیادی در محله بریانک ساکن نبودند، در چوبی این اتاقک توسط خادم

امامزاده معصوم، حضرت شاه چراغ، آقا علی عباس و بسیاری از همراهان در مسیر یا در برخی شهرهای ایران و از جمله در تهران به شهادت رسیدند.» اکنون آستان امامزاده اگر چه وسعت یافته، اما ساختمان آن ساده است. هنوز هم آثاری در بقعه و کتیبه ها وجود دارد که نشان از قدمت بقعه می دهند. در ایوان جنوبی ۲ کتیبه کوچک مرمر طرفین در اصلی حرم نصب شده که روی یکی تاریخ ۱۰۴۰ قمری و روی دیگری تاریخ ۱۲۴۰ قمری به چشم می خورد که براساس آن بنای اولیه این بقعه مقارن با سال های اول سلطنت شاه صفی توسط خواجه محب فرزند حاجی رمضان بریانکی در سال ۱۰۴۰ تعمیر و مرمت شده است. از کتیبه دوم معلوم می شود که این تعمیر و مرمت هم مانع انهدام بقعه مزبور نشده و ۲۰۰ سال پس از آن، بقعه کنونی به جای بقعه ویران شده قبلی بنا شده است. آینه کاری داخل بنا به سال ۱۳۷۳ شمسی بر می گردد که توسط استاد محمدرضا نوید انجام شده است. بانی این کار، حاج علی قجر بوده است. مزار ۵ شهید گمنام دوران دفاع مقدس، یکی از مکان های زیارتی این امامزاده است.



نام: امامزاده معصوم (ع)
موقعیت: سه راه آذری

یا متولی امامزاده قفل می شد. هر کدام از اهالی که قصد زیارت داشت، قفل در را باز می کرد تا بتواند مقبره امامزاده را زیارت کنند و در صحن اطراف ضریح، نماز بخوانند. اما بعد از انقلاب به مرور با توجه به افزایش جمعیت و درخواست اهالی، فضای اطرافش را توسعه دادند و به شکل امروزی در آمد. او امامزاده معصوم (ع) را به امام محمدباقر (ع) منتسب می داند و درباره شجره نامه قدیمی این امامزاده می گوید: «شجره نامه ای قدیمی در امامزاده وجود داشت که بعد از توسعه، نصب نشده است، اما طبق آن، امامزاده معصوم بن عبدالله (ع) از نوادگان امام محمدباقر (ع) است.» بقعه متبرک امامزاده معصوم، در فضای دنج و پردرختی قرار گرفته و زائران برای زیارت مرقد این امامزاده خود را به خیابان قزوین، بین میدان قزوین و سه راه آذری روبه روی پل امامزاده معصوم (ع) می رسانند. اما نوادگان امام پنجم شیعیان چگونه به ایران آمدند؟ رحمت الله خادم الحسینی، با استناد به شجره نامه این امامزاده توضیح می دهد: «سال ۲۰۳ قمری، ایشان همراه حضرت امام رضا (ع) و ۴۳۰ نفر دیگر، به دستور هارون از بغداد اخراج و وارد ایران شدند. حضرت معصومه،